

درآمدی بر سنجش اصیل

نویسنده: والری، جن سینک (Janesick Valery J. 2006)

ناشر: شرکت بی تر لایگ نیویورک

بررسی کننده: کریستین استنک^۱ از دانشگاه ایالتی فلورتون کالیفرنیا

سال انتشار: ۲۰۰۸

تعداد صفحات: ۱۰۷

مترجم: دکتر علیرضا کیامنش^۲

در موقعیت‌های سیاسی و آموزشی فعلی، سنجش یادگیری و بازده دانش‌آموزان در مدارس، از کودکان تا سال آخر دبیرستان، به بحثی جدی و انتقادی تبدیل شده است. قوانین جدید در ارتباط با پاسخ‌گو بودن مدرسه، به افزایش سنجش‌های استاندارد شده و همچنین افزایش پاسخگویی مدرسه و منطقه‌ی آموزشی از طریق ارائه‌ی گزارش الزامی نمره‌های دانش‌آموزان به منطقه و افراد جامعه یا مالیات‌دهندگان منجر شده است. البته در زمینه‌ی این که سنجش استاندارد شده اصیل‌ترین و دقیق‌ترین شیوه‌ی اندازه‌گیری یادگیری دانش‌آموزان و یا اثربخشی معلم باشد، نگرانی‌هایی وجود دارند. نگرانی‌ها ناشی از این واقعیت هستند که نتایج حاصل از آزمون‌های استاندارد شده، به ندرت به بهتر شدن آموزش کمک می‌کنند، زیرا این آزمون‌ها فقط به مثابه ارائه‌ی تصویری از اندازه‌گیری آنچه دانش‌آموز فراگرفته است، عمل می‌کنند.

کتاب «درآمدی بر سنجش اصیل» نوشته‌ی جن سینک (۲۰۰۶)، با هدف معرفی تکنیک‌ها

1. Kristian Stang

۲. استاد دانشگاه تربیت معلم

نشانی: تهران، خیابان مفتوح جنوبی، دانشگاه تربیت معلم، تلفن: ۰۹۱۲۶۰۷۴۶۴۰ نشانی اینترنتی: kiamaneshar@yahoo.com

و ابزارهای سنجشی که می‌توانند جای آزمون‌های سرنوشت‌ساز و استاندارد شده را بگیرند، طراحی شده است. نویسنده سنجش اصیل را سنجشی معرفی می‌کند که «مستلزم تکالیف اصیل و واقعی است و توانایی‌های دانش‌آموز را نشان می‌دهد. آن‌ها جزئی از فرایند و بازده یادگیری هستند و از طریق دریافت بازخورد و جهت‌دهی، امکان رشد می‌یابند» (صفحه‌ی ۱). از دید جن سینک، این شیوه با فرایند آزمون استاندارد شده که وی از آن به عنوان «مدل حقوقی سود آور» نام می‌برد کاملاً متفاوت است.

این کتاب پنج فصل دارد و در پایان هر فصل، خلاصه‌ی مطالب و اصطلاحات همراه با تعاریف آن‌ها و واژه‌های کلیدی ارائه شده است. اطلاعات مندرج در پایان هر فصل، منبع مفیدی برای معلمان تازه‌کار است که می‌خواهند از سنجش اصیل در کلاس خود استفاده کنند.

منابع و ارجاعات نیز در پایان پنج فصل، در ۲۰ صفحه تنظیم شده‌اند. این قسمت دربرگیرنده اطلاعات مربوط به سازمان‌ها و نحوه‌ی تماس با آن‌ها و تماس با ایالت‌ها در مورد اصلاحات مربوط به آزمون و همچنین فهرست وب‌سایت‌ها و ویدیوهای است که به چگونگی استفاده از سنجش اصیل می‌پردازند.

فصل اول با عنوان «مقدمه و مرور»، تقریباً نیمی از کتاب را در بر می‌گیرد. در حالی که اطلاعات مربوط به «تاریخچه و زمینه‌های تاریخی سنجش» برای شناخت دیدگاه‌های جن سینک و محتوای کتاب اهمیت دارد، این قسمت مهم فصل تحت تأثیر مباحث سیاسی و تاریخی کم‌رنگ شده است. هم‌چنین، اگر قسمت دوم این فصل، یعنی بخشی که در آن جن سینک به توصیف انواع سنجش اصیل پرداخته است، خود یک فصل مستقل می‌شد، خوانندگان کتاب یا کارورزان یعنی مخاطبینی که کتاب برای آنان نوشته شده است، از کتاب بیشتر بهره می‌بردند. در واقع، اگرچه گفته شده که کتاب با هدف معرفی مختصر مفاهیم عمده‌ی سنجش اصیل طراحی شده است، مشکل می‌توان قضاوت کرد که هدف کتاب، آشنا ساختن خواننده با تاریخچه‌ی سیاسی و کاربردهای اجتماعی آزمون‌های استاندارد شده در جهت توجیه سنجش اصیل بوده است، یا قصد واقعی کمک به آماده شدن معلمان برای دوره‌های آموزش ضمن خدمت و شرکت دادن دانش‌آموزان در سنجش اصیل. با وجود این، منابع معرفی شده برای انواع سنجش اصیل (از جمله معیارهای سنجش و کارپوشه‌ها) ابزارهای با ارزشی برای آموزش معلمان در دوره‌های آموزشی قبل و ضمن خدمت هستند.

در آغاز فصل دوم با عنوان «معیارها، سنجش و تفکر خلاق»، نویسنده به این بحث می‌پردازد که اگر به دانش‌آموزان اجازه می‌دادیم مسئولیت یادگیری خود را به‌عهده بگیرند، به جامعه بهتر خدمت

می‌شد (ص ۵۵). جن سینک ادعا می‌کند که حرکت به سوی «آموزش استاندارد محور» با فراهم آوردن ۱۱ چالش خاص اخلاقی، غیراخلاقی است و «تدریس استاندارد – محور» نتیجه‌ی تأکید بر سنجش سرنوشت‌ساز استاندارد شده است. او با استفاده از مثال‌های خاص از نظام سنجش ایالت تگزاس، مسائل مربوط به آموزش بر اساس سؤال‌های سنجش و شیوه‌های بدیل پیشنهادی برای آموزش را مطرح کرده است.

به عقیده‌ی جن سینک، قانون «هیچ کودکی نباید عقب بماند»^۱ که در زمان جورج دبلیو بوش تصویب شد، از نظر تاریخی ریشه در سیاست‌های دولت ریگان دارد؛ سیاستمدارانی که به کلاس درس تعلق نداشتند. نویسنده نظر خود را درباره‌ی خط‌مشی «هیچ کودکی نباید عقب بماند»، در ۱۶ بند بیان می‌کند. او معتقد است، این خط‌مشی بر مدارس از کودکستان تا آخر دبیرستان و در نتیجه بر یادگیری دانش‌آموزان اثرات منفی بر جای گذاشته است. نویسنده به صورت مکرر بر سازمانی در ایالت فلوریدا عمده تأکید می‌کند که هدف آن، معرفی مشکلات مرتبط با این قانون و آزمون‌های سرنوشت‌ساز به عامه‌ی مردم است. بخش عمده‌ی این فصل، حاصل دیدگاه‌های خود جن سینک است و با ارجاعات رسمی پژوهشی و نظری محدودی همراه است.

مقدمه‌ی فصل سوم، «مسائل مربوط به سنجش»، با جمله‌ی محکم «زمانی که درباره‌ی سنجش اصیل صحبت می‌شود، در مورد یک ویژگی برجسته‌ی آن، یعنی اخلاقی و منصفانه بودن آن، توافق وجود دارد»، شروع می‌شود (صفحه‌ی ۵۵). اگر چه من در اصل با این عبارت کاملاً موافق هستم، ولی او می‌باید ادعای خود را در مورد اخلاقی و منصفانه بودن سنجش اصیل با ارجاع به نظریه‌ها و تحقیقات تقویت می‌کرد. نویسنده ادامه می‌دهد که در مورد غیرمنصفانه و غیراخلاقی بودن آزمون‌های سرنوشت‌ساز توافق وجود دارد، ولی در این‌جا نیز ارجاعات قوی یا داده‌هایی که ادعای وی را حمایت کنند، ارائه نمی‌دهد. در واقع، نویسنده به خواننده کتاب می‌گوید که در منابع پژوهشی مسئله‌ی اخلاق در آزمون‌های استاندارد شده مستند شده است، ولی خود فقط به یک نویسنده که ادعای او را تأیید می‌کند، اشاره کرده است.

فصل سوم با بحث در مورد «آزمون استعداد تحصیلی»^۲ (SAT) و تمایل حریصانه‌ی «مؤسسه‌ی آزمون ورودی دانشگاه» (CEEB)، و «مؤسسه‌ی خدمات آموزشی» (ETS) برای استفاده از این آزمون‌ها پایان می‌یابد. جن سینک حتی با فراهم آوردن اطلاعاتی در زمینه‌ی حقوق، سود و امتیازات

۱. No child left behind

۲. Scholastic Aptitude Test

مدیران ETS و بیان این نکته که سود مالی زیاد این شرکت و به‌ویژه مدیران ارشد آن، به ادامه‌ی جنبش آزمون‌های استاندارد شده کمک می‌کند، ادعای خود را حمایت می‌کند.

در فصل چهارم کتاب *درآمدی بر سنجش اصیل*، نویسنده به جنبش‌های مخالف طرح هیچ‌کودکی نباید عقب بماند و آزمون‌های استاندارد شده در ایالت‌های مهم آمریکا اشاره می‌کند. او به صورت خلاصه، شکایات ثبت شده در سطح ایالت را که اخلاقی بودن آزمون‌های استاندارد را به چالش کشیده‌اند، مرور می‌کند. در قسمت خلاصه‌ی فصل در صفحه‌ی ۹۸، جن سینک به خواننده‌ی کتاب اطلاع می‌دهد که اگر در ایالت خود به فعالیت در حوزه‌ی اصلاحات در سنجش علاقه‌مند است، مدل‌هایی وجود دارند که او می‌تواند به آن‌ها دست یابد و در آینده از آن‌ها استفاده کند. اگر چه این اطلاعات برای کسانی که می‌خواهند تلاش‌های اولیه‌ی خود را در زمینه‌ی اصلاحات در سنجش آغاز کنند، مطمئناً با ارزش‌اند، ولی از دید من (نقد‌کننده کتاب)، با هدف کتاب هم‌خوانی ندارند. اگر هدف این است که مفید بودن استفاده از سنجش اصیل در کلاس‌های درس برای معلمان در دوره‌های آموزش قبل و ضمن خدمت بیان شود، چرا باید به تلاش‌های اولیه و پایه‌ای برای اصلاح در سنجش و ارسال نامه‌ی راهنما برای اولیا پرداخته شود؟

در چهار صفحه‌ی اختصاص داده شده به نتیجه‌گیری، جن سینک آنچه را که «ایده‌ی اصلی» برای تفکر در مورد سنجش اصیل دانسته است، شرح می‌دهد. به عقیده‌ی او، سنجش اصیل «این اطمینان را فراهم می‌آورد که دانش‌آموزان نه مشاهده‌گر صحنه‌ی آموزش، بلکه شرکت‌کنندگان واقعی در فرایند آموزش هستند» (صفحه‌ی ۱۰۱). در حالی که این نکته مطمئناً یکی از جذاب‌ترین جنبه‌های سنجش اصیل است، کتاب برای مستند کردن ماهیت واقعی سودمندی این شیوه تلاش چندانی به عمل نیاورده است. برای آن که کتاب *درآمدی بر سنجش اصیل*، منبعی با ارزش در کلاس کارشناسی و کارشناسی ارشد باشد، می‌باید روی: «چگونه معلمان می‌توانند از سنجش اصیل برای درگیر کردن دانش‌آموزان در آموزش بهره بگیرند؟» بیشتر تأکید می‌کرد.

جن سینک در حوزه‌ی سنجش یک کارشناس است و کارگزاران را برای تفکر و رای استفاده از آزمون‌های استاندارد شده به چالش می‌کشد. با وجود این، کتاب هدف اصلی خود را گم کرده است. از آن‌جا که منابع و مأخذ ارائه شده در بخش پایانی با ارزش هستند، نویسنده می‌باید بعضی از آن‌ها را در کتاب مورد بحث قرار می‌داد و از یافته‌های پژوهشی بیشتری برای حمایت از ایده‌ها و ادعاهای خود بهره می‌گرفت. به طور کلی، برای آن که کتاب نیازهای معلمان شرکت‌کننده در دوره‌های آموزش قبل و ضمن خدمت، یعنی کسانی را که کتاب برای آنان تدوین شده است، را بهتر تأمین کند،

می‌باید به بحث‌های تاریخی – سیاسی و به چگونه طراحی کردن و استفاده از سنجش اصیل به عنوان یک تکنیک با ارزش آموزشی و سنجشی، از کودکان تا پایان دبیرستان، بیشتر توجه می‌کرد.

آشنایی با نقد‌کننده‌ی کتاب

دکتر کریستین استنک، دانشیار گروه آموزش استثنایی دانشکده‌ی علوم تربیتی دانشگاه ایالتی فلورتون کالیفرنیا است. سنجش و حقوق در آموزش استثنایی، حوزه‌های آموزشی و درجه‌بندی یادگیری و رفتار دانش‌آموزان توسط معلمان، و همچنین آموزش قبل از خدمت معلمان، حوزه‌های پژوهشی هستند که نامبرده به آن‌ها می‌پردازد.

